





## فهرست

صفحه

۶	سرمقاله
۱۱	یحیی عیسی را تعمید می دهد
۱۷	پادشاه کودک
۱۸	عیسی و یحیی تعمید دهنده
۲۱	یحیی تعمید دهنده تنها شاهد
۲۴	عیسی و مجوسیان
۲۷	موعظه تعمید دهنده
۳۵	مدح یحیی
۳۷	گروههای مطالعاتی کتاب مقدس
۴۰	پادشاه کودک

## یحیی تعمید دهنده و تاریخ

یحیی تعمید دهنده یکی از مشهورترین چهره های یهودیت در ابتدای عصر ماست که به جهت روابطش با عیسی مورد توجه مسیحیان قرار گرفته است. در ابتدا از دید یک مورخ نظری به وی بیفکنیم.

### یحیی تعمید دهنده را چگونه می توان شناخت؟

یحیی را می توان از طریق عهد جدید که نام وی ۹۰ مرتبه در آن تکرار شده است و نیز از طریق مورخ یهودی فلاویوس ژوزف (متولد سال ۳۷-۳۸ بعد از میلاد) شناخت. این منتخبی است از گفته های ژوزف: «هیروودیس آنتیپاس یحیی را کشت، با اینکه یحیی مردی نیک بود و یهودیان را برای گرفتن تعمید ترغیب به تقوا، عدالت در قبال یکدیگر و زهد در قبال خداوند می کرد چرا که تعمید تحت این شرایط یعنی نه تنها به منظور بخشایش برخی از گناهان بلکه تطهیر جسم پس از تنزیه جان توسط عدالت و دادگری منظور نظر خداوند است. مردم به هیجان آمده از سخنان وی به دورش گرد آمده بودند.»

### جایگاه یحیی در یهودیت آن عصر

می دانیم که در آغاز عصر ما فرقه های مذهبی متشکل و منظمی همچون صدوقیان، اسنی ها و فریسیان وجود داشت که می توان گفت بازتابی از یهودیت رسمی بودند. برای مثال فریسیان از طریق کنیسه های پراکنده در تمام شهرها و دهکده ها بر زندگی مردم مسلط بودند. اما در کنار این فرقه ها حرکت های مذهبی نامنظم تری نیز وجود داشت که نجات را به همه پیشنهاد می کرد. این جنبشها، به دلیل رسم غوطه ور شدن در آب، جنبشهای تعمیدی نام گرفتند. یحیی تعمید دهنده را می بایست در میان این جنبشها جای داد.

## سر مقاله

یحیی تعمید دهنده شخصیتی گیرا اما ناشناخته است. این آخرین قدیس عهدعتیق جایگاهی عظیم در اناجیل دارد و راه «کسی که باید بیاید» یعنی عیسی مسیح را مهیا می سازد. شخصیتی که در چهارمین انجیل بره خدا را به شاگردان خویش شناساند با آنکه استادشان بود، با ظهور عیسی خادمی ساده گشت و محوگردید.

مطالعات تاریخی ما را در بهتر شناختن یحیی یاری می دهند. بی شک او شخصیتی استثنایی بود. این پسر کاهن که در بیابان گوشه انزوا گزیده بود با صحیح ترین لحن انبیاء مردمی را که به سویش می آمدند به عدالت و دادگری ترغیب می نمود. مورخ یهودی، فلاویوس ژوزف چهره ای تحسین آمیز از او ترسیم کرده است: «هر چند یحیی مردی نیک بود و یهودیان را به تقوا، عدالت در قبال یکدیگر و زهد در قبال خداوند گرفتن تعمید ترغیب می کرد اما هیروودیس او را کشت». تعمید در آبهای رود اردن اشتیاق حقیقی به بازگشت بسوی خدا و امید به دخالت داور مطلق را بیان می کرد. یحیی مرگی نظیر مرگ بیشتر انبیاء داشت یعنی بدست قدرتی سیاسی که او را محترم می شمرد و در عین حال از وی واهمه داشت کشته شد. اما یاد و تأثیرش بلافاصله محو نگشت.

این مجلد به موضوعاتی از قبیل اطلاعات مورخ از یحیی، گفته های نوشتجات مسیحی و بخصوص اناجیل در مورد وی، جایگاه یحیی در قبال عیسی و نیز موضوعاتی معمولی چون پادشاه کودک اشعیا نبی پرداخته است.

## یحیی در بیابان زندگی می کرد، جمعیت مشهور قمران نیز ساکن بیابان بود. آیا یحیی عضوی از این جمعیت بود؟

یحیی در بیابان اطراف اورشلیم در ساحل رود اردن زندگی می کرد (مت ۳: ۱-۵ یو ۱: ۲۸). دقیقاً نمی توان محل زندگی را تعیین کرد. در هر حال در مسافت دوری از جمعیت «اسنی های» قمران زندگی نمی کرد، یعنی نزدیک به مصب رود اردن در بحرالمیت. یحیی یقیناً در مورد جمعیت قمران چیزهایی شنیده بود اما این نمی تواند دلیلی کافی برای اثبات این موضوع باشد که او نیز عضوی از آن جمعیت بود. متذکر می شویم که در قمران در جمعیت‌های بسته زندگی می کردند. اما یحیی حتی اگر شاگردانی داشت با دنیای بیرون قطع رابطه نکرده بود. جمعیت قمران افراطیون متعصبی بودند که کاهنان اورشلیم و پیروانشان را به شدت محکوم می کردند اما در مورد غیر یهودیان تعصبی نداشتند. موعظه یحیی خطاب به تمام مردم بود و اشخاص از تمام نقاط به سویش می رفتند. جمعیت قمران شناختی از آیین تعمید نداشت و تطهیر و غسل‌های رایج را انجام می دادند که با آیین تعمید اختلاف زیادی داشت.

## اختلاف تعمید یحیی و آیین تطهیر در چه بود؟

تمام یهودیان اعم از فریسی یا صدوقی آیین غسل و تطهیر را اجرا می کردند. این آیین در قمران اهمیت خاصی داشت و وسیله ای برای حفظ و نگهداری یا بازیافتن (در صورت از دست دادن) آن درجه از پاکی بود که شخص قبلاً داشت. یک فریسی وقتی از بازار برمی گشت خود را غسل می داد زیرا با اشخاصی که از نظر آیینی در مراتب پایین تری از پاکی نسبت به وی قرار داشتند تماس برقرار کرده بود (مر ۷: ۴). در قمران رهبانان قدیمی با طلاب جدید معاشرت نمی کردند چرا که اینان را «ناپاک تر» می شمردند. عمل طهارت با آب مطهر و پاکی صورت می گرفت که از پیش برای همین منظور تهیه شده بود. یحیی در آبهای رود اردن تعمید می داد.

اما باید توجه داشت که طهارت تنها باعث پاکی آیینی می شد و گناه را پاک نمی کرد. آیین طهارت «قربانی به جهت گناه» را تقدیم معبد می کرد اما تعمید یحیی مرتبط با گناه است. متی صریحاً می گوید: «به گناهان خود اعتراف کرده در اردن از وی تعمید می گرفتند» (۳: ۶).

بدین ترتیب تعمید یحیی در مقام قربانی به جهت گناه در معبد قرار گرفت. یحیی این پسر کاهن، در انزوای صحرا تمام معیارهای مذهبی را تغییر داده و تعلیمات مربوط به قربانی را نسبیّت می بخشید.

اینگونه متهم ساختن سیستم مذهبی توسط یحیی می باید با موعظه پایان زمان مقایسه شود. در برابر اعلام پایان زمان هیچ دلیلی پایداری نمی کند نه طهارت و نه قربانی تقدیمی به معبد. همه چیز مطیع خشم خداوندی است جز یک فوریت: ایمان آوردن و تأکید بر طلب بخشایش در آیین تعمید که هر آیین دیگری را بی معنی و بی اهمیت جلوه می دهد.

## مقام یحیی در برابر عیسی چیست؟

از نظر مسیحیان اولیه یحیی تعمید دهنده کسی است که عیسی را اعلام می دارد. مورخ روابط پیچیده تری را بین عیسی و یحیی حدس می زند. هر دو چهره های معروف برآمده از حرکت‌های تعمیدی هستند که در بالا به آنها اشاره شد. پس باید خط سیرشان را همانجا دنبال کرد.

در ابتدا عیسی جلیل را ترک گفته و بسوی یهودیه آمد و در آنجا توسط یحیی تعمید گرفت (مر ۱: ۹). این حرکت بخوبی نشان می دهد که چگونه آغاز زندگی اجتماعی عیسی ریشه در همین جنبش‌های تعمیدی دارد. حرکت‌هایی که نجات را تنها با امید به دخالتی اساسی از سوی خدا به همگان ارزانی می دارند، سپس عیسی خود، تعمید دهنده شد و شاگردانی به دور خود گرد آورد، شاگردانی که اولین نفراتشان از شاگردان یحیی بودند (یو ۱: ۳۵). به این ترتیب دو گروه بسیار نزدیک به هم تشکیل شد. سپس شاگردان عیسی بیش از پیش فرونی یافتند؛ او شاگردان بیشتری از یحیی



پیدا کرد (یو ۴:۱). در واقع عیسی تعمیدی متفاوت با تعمید یحیی بوجود آورده بود. یحیی در صحرا ماند و موعظه اش را که متمرکز بر ایمان آوردن و داوری بود ادامه داد. عیسی صحرا را ترک گفته و موعظه اش را در محله های مسکونی جلیل آغاز کرد، یحیی زندگی سختی داشت، لباس عجیب برتن کرده و از ملخ و عسل وحشی تغذیه می کرد (مت ۳:۴).

عیسی مانند بقیه مردم لباس می پوشید و در جشنها و شادی های مردم شرکت می کرد بطوریکه برخی او را میگسار و پرخور می نامیدند (مت ۱۱:۱۸-۱۹). عیسی همانند یحیی مردم را متهم می ساخت منتهی به چشم حکام مذهبی خطرناکتر از یحیی بود چرا که در محلات مسکونی موعظه می کرد و نه در صحرا.

## در مجموع چگونه می توان در مورد یحیی قضاوت کرد؟

یحیی چهره بسیار معروف یهودیت آن عصر بود. ژوزف مورخ تصویری تحسین آمیز از او ارائه داده است. اما انجیل نگاران سعی بر محقر جلوه دادن او کرده اند تا عظمت عیسی را نمایان سازند. آنان در عین شناختن بزرگی او سعی داشتند او را در خدمت عیسی قرار دهند: «از اولاد زنان بزرگتری از یحیی تعمید دهنده برنخاست لیکن کوچکتر در ملکوت آسمانی از وی بزرگتر است» (مت ۱۱:۱۱).

\*\*\*

## یحیی عیسی را تعمید می دهد

آیا از نظر مسیحیان اولیه یحیی تعمید دهنده شخصیت دست و پاگیری بود؟ سعی شده با مطالعه قسمت هایی از انجیل این موضوع بررسی شود. انجیل نگاران از سویی متفقاً و به وضوح از عظمت و مناعت طبع او سخن می گویند اما از سویی دیگر سعی بر محدود ساختن نقش وی دارند.

یحیی را نباید با مسیح اشتباه گرفت. مدح و ستایشی که بر سر یحیی باریدن گرفته بزودی به خاموشی می گراید. بی اعتنایی نسبت به یحیی در روایت تعمید عیسی بخوبی قابل تشخیص است. ببینیم انجیل نگاران در صحنه رود اردن او را در کجا قرار می دهند.

## مرقس: اعطای عنوان مسیح رنج دیده

و واقع شد در آن ایام که عیسی از ناصره جلیل آمده در اردن از یحیی تعمید یافت. و چون از آب برآمد در ساعت آسمان را شکافته دید و روح را که مانند کبوتری بروی نازل می شود و آوازی از آسمان در رسید که تو پسر حبیب من هستی که از تو خوشنودم. (مرقس ۱:۹-۱۱)

روایتی که مرقس از تعمید ارائه می دهد روایتی میانه رواست که می توان تداعی سریع تعمید به همراه ظهور الهی را در آن ملاحظه کرد. مرقس با آسودگی و بی هیچ شکی تأیید می کند که عیسی از یحیی تعمید گرفت. او واقعه ای را بیاد می آورد. عیسی زادگاهش را بسوی اردن ترک کرده و در آنجا از یحیی تعمید گرفته است. مرقس بلادرنگ به توصیف چگونگی تعمید می پردازد و به تعیین محل دقیق واقعه توجهی نشان نمی دهد و اما تأمل بیشتری بر ظهور الهی که تعمید را مفهوم می بخشد دارد. هدف از این تجلی خدا که بر طبق مدل روایات مکاشفه ای که در آن تنها باید

دید و شنید حکایت شده است؛ آشکار ساختن هویت و رسالت عیسی از همان آغاز انجیل است. صدای آسمانی متن، اشعیا ۴۲ در مورد خدمتگذار خداوند و مزبور ۲ عنوان شاهی و قربانی اسحق در ترجمه یونانی پیدایش ۲۲ را در اذهان تداعی می نماید. بدین ترتیب خواننده انجیل متوجه شده است که مژده آمدن مسیح، پادشاه رنج دیده را می خواند و نه یک داستان معمولی را. ایمان به رستاخیز کل روایت را جان می بخشد. شخصیت یحیی، با در نظر گرفتن تعمیم عیسی همچون آغاز کار مسیح خود به خود در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد.

## متی: امتناع یحیی از تعمیم عیسی

«آنگاه عیسی از جلیل به اردن نزد یحیی آمد تا از او تعمیم یابد، اما یحیی او را منع نموده گفت: من احتیاج دارم که از تو تعمیم یابم و تو نزد من می آیی؟ عیسی در جواب وی گفت: الان بگذار زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم پس او را وا گذاشت. اما عیسی چون تعمیم یافت فوراً از آب درآمد که در ساعت آسمان بروی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده بروی می آید. آنگاه خطابی از آسمان در رسید که این است پسر حبیب من که از او شنودم.» (متی ۳: ۱۳-۱۷)

متی نیز همچون مرقس به تفصیل به شرح واقعه نمی پردازد. وی به تداعی واقعه در زمان گذشته قانع است و به وقایع مقدماتی واقعه توجه بیشتری نشان می دهد. متی در ابتدا تأکید می کند که عیسی تنها به منظور تعمیم یافتن به اردن می آید. در انجیل مرقس می توان در این مورد شک کرد و گفت شاید عیسی تقاضای یحیی را جهت تعمیم اجابت نموده باشد اما در انجیل متی کاملاً آشکار است که عیسی خود خواهان تعمیم بوده است. در ادامه متن می بینیم که یحیی تقاضای عیسی را نمی پذیرد و دلیلش این است که نباید نقشها را وارونه جلوه داد. متی پیش از روایت تعمیم این کلمات را بر زبان یحیی می گذارد: «من شما را به آب به جهت توبه تعمیم می دهم

لکن او که بعد از من می آید از من تواناتر است که لایق برداشتن نعلین او نیستم. او شما را به روح القدس و آتش تعمیم خواهد داد» (۳: ۱۱). و از همانجا برتری عیسی بر یحیی مسلم می شود. عیسی سکوت بجای یحیی را تصدیق می کند اما دستور می دهد بگذار الان اینطور باشد. به عبارت دیگر مفهوم این حرکت که ظاهراً موجه بنظر نمی رسد «بعدها» روشن می شود. یحیی می باید عیسی را تعمیم دهد تا «عدالت به کمال رسد». از این عبارت اسرارآمیز چنین برمی آید که واقعه مهمی در شرف وقوع است. واژه «عدالت» در عهد عتیق بیان گر زندگی بارور از عهد با خداست. تا به اینجا اجرای عدالت به دشواری ممکن بود و به همین دلیل انبیاء خواهان عهدی جدید می باشند. آیا این همان عهد جدید نیست که با عیسی منعقد می شود؟

متی نیز به نوبه خود تعمیم عیسی را حکایت می کند. این تعمیم نشانه زمان جدید و عهد جدید است. متی در واقعه ظهور الهی همان اصول مرقس را مدنظر قرار می دهد. تنها عیسی نزول روح خدا را بر خویش می بیند گویی که حضار و یحیی دور بوده قادر به درک واقعه نیستند. اما خواننده تنها با خواندن متن می تواند دریابد که مسیح رنج دیده، مسیحی که عهد قطعی را مهیور خواهد کرد وارد صحنه می شود. «الانی» که عیسی از آن سخن می گوید ما را به «بعدها» یعنی بسوی صلیب و رستاخیز رهنمون می شود. متی به منظور بهتر شناساندن یحیی به تفصیل از او سخن می گوید اما این دو شخصیت را نمی توان با هم مقایسه نمود چرا که یحیی در مقابل عیسی محو می شود.

## لوقا: تعمیم دهنده غایب!

هیروودیس یحیی را در زندان حبس نمود. اما چون تمامی قوم تعمیم یافته بودند و عیسی هم تعمیم گرفته دعا می کرد آسمان شکافته شد و روح القدس به هیأت جسمانی مانند کبوتری بر او نازل شد و آوازی از آسمان در رسید که تو پسر حبیب من هستی که به تو شنودم (لوقا ۳: ۲۰-۲۲)

روایت لوقا از تعمید عیسی بیش از اندازه مرموز جلوه می کند. حتی از این روایت می توان چنین استنباط نمود که یحیی به علت ندانی بودن از صحنه تعمید عیسی غایب است. اما در این شرایط چگونه می توانسته قوم را تعمید دهد؟ آیا لوقا می خواسته بدین طریق فاصله بین این دو شخصیت را تشدید نماید؟ به محل تعمید اشاره نشده است و خود واقعه نیز این گونه بیان شده: «عیسی هم تعمید گرفته.» به نظر می رسد که لوقا مایل است وجه مشترکی بین عیسی و «تمام قوم» قرار دهد. لوقا نیز همچون متی و مرقس بر جریان تعمید تأمل نمی کند و مانند آنان متوجه مفهوم عمل است. در انجیل لوقا صدای آسمانی اشاره به مزمور ۲۰ است که یادآور مراسم عطا‌ی عنوان به پادشاه می باشد که از این طریق مسئولیت «پسرخدا» و نایب خدا بودن را به عهده می گیرد. لوقا در این روایت جز به جنبه غالب پادشاهی عیسی توجه ندارد. عنوان پسر خدا در پرتو قیام مفهوم دیگری می یابد. لوقا به دعای عیسی نیز اشاره می کند که در تمام لحظات سخت و حساس رسالتش ملاحظه می شود. یحیی از صحنه تعمید حذف شده است اما پیش از آن همانطور که متی نیز اشاره نموده گفته ود: «شخصی توانا تر از من می آید که لیاقت آن ندارم که بند نعلین او را باز کنم...» (۱۶:۳). این جمله نشان می دهد که پسر خدا بر یحیی برتری دارد.

## یوحنا: یحیی، تنها شاهد.

یحیی عیسی را دید که به جانب او می آید پس گفت: اینک بره خدا که گناه جهان را برمی دارد. اینست آنکه من درباره او گفتم که مردی بعد از من می آید که پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود. و من او را نشناختم لیکن تا او به اسرائیل ظاهر گردد برای همین من آمده به آب تعمید می دادم. پس یحیی شهادت داده گفت: روح را دیدم که مثل کبوتری از آسمان نازل شده بر او قرار گرفت. من او را نشناختم لیکن او که مرا فرستاد تا به آب تعمید دهم همان به من گفت بر هر کس بینی که روح نازل شده بر او قرار گرفت همان است او که به روح القدس تعمید می دهد. و من دیده و شهادت می دهم که این است پسر خدا. (یوحنا ۱: ۲۹-۳۴).

چهارمین انجیل که گویی از نشان دادن تعمید عیسی اکراه دارد، موفق شده است به نوعی از آن اجتناب ورزد و دیگر مشکل یادآوری یحیی در حین تعمید عیسی را ندارد. با این حال اهمیت و اعتباری که یحیی تعمید دهنده در صفحات اولیه چهارمین انجیل دارد قابل توجه است. او همانند شخصی که نقش شاهد را به عهده دارد پیش می آید. در تمام طول فصل اول این انجیل بی وقفه در حال شهادت بر عیسا است.

با اینکه در این انجیل موضوع تعمید در میان نیست اما اصول ظهور الهی دیگر انجیل نگاران را در سخنرانی یحیی تعمید دهنده می توان یافت. یحیی حتی پیشتر از این ظهور که برای وی داده مطلع شده است. اینجا دیگر صدای آسمانی عیسی را به عنوان پسر خدا بر مسند قدرت نمی نشانند بلکه یحیی این مسئولیت را بر دوش می گیرد.

بدین ترتیب اهمیت تعمید دهنده نه تنها انکار نشده بلکه ارج نیز نهاده شده است. با این حال قدرت و عظمت یحیی در خدمت ظهور عیسا است، یحیی با صراحت دوستان خویش را دعوت به پیروی عیسی و جدا شدن از خویش می نماید.

## یحیی تعمید دهنده و اولین جمعیت های مسیحی

عیسی حقیقتاً از یحیی تعمید گرفته است و هیچ شکی در آن نیست. یحیی از طریق مکاشفه، فرا رسیدن قریب الوقوع ملکوت آسمانی را اعلام می دارد. عیسی نیز موافق وی بود و به همین امید نیز تعمید یافت.

مسیحیان پس از اینکه به مسیح رستخیز کرده ایمان آوردند مروری دیگر بر خاطره تعمید عیسی داشتند و تعمید عیسی را معرفی رسمی وی به عنوان مسیح، پسر خدا، پذیرفتند. صدای آسمانی به همراه شهادت یحیی تعمید دهنده قانون ایمان کلیسای اولیه را تشکیل می دهد: عیسی مسیح مصلوب، پسر خدا و برگزیده خداست. نوسانات مربوط به نقش و جایگاه یحیی در روایات تعمید می توانند توسط مسائل و مشکلات جوامع مسیحی توضیح داده شوند. بی شک یحیی تعمید دهنده را

مانندی نیست. پس از مرگش شاگردانش راهش را ادامه دادند و رقابت با شاگردان عیسای ناصری را پیش گرفتند. شاگردان یحیی معتقد بودند که استادشان بزرگتر از عیسا است و بهترین دلیلشان تعمید گرفتن عیسی از یحیی بود. مسیحیان نسل دوم که تجربیات عید رستاخیز را به عینه ندیده بودند استدلالشان را می پذیرفتند. رهبران جوامع مسیحی در مواجهه با خطر ثابت کردند که یحیی علی رغم هیبتش، مسیح، آن رستاخیز کرده نبوده است. آیا یحیی تعمید دهنده شخصیت دست و پاگیری برای اولین مسیحیان بود؟ بی شک اناجیل نیز متأثر از این رقابتها و کشمکش ها می باشند.

## پادشاه كودك (اشعيا ۹: ۵-۶)

زیرا که برای ما ولدی زاییده  
و پسری به ما بخشیده شد  
و سلطنت بر دوش او خواهد بود؛  
و اسم او عجیب و مشیر،  
و خدای قدیر،  
پدر سرمدی،  
و سرور سلامتی خواننده خواهد شد.  
ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود  
و بر مملکت وی انتها نخواهد بود  
تا آن را با انصاف و عدالت  
از الان تا ابدالابد  
ثابت و استوار نماید.  
غیرت یهوه صبایوت این را به جا خواهد  
آورد.

\*\*\*



## عیسی و یحیی تعمید دهند

داشتن ایده دقیقی از روابط بین عیسی و یحیی تعمید دهنده آسان نیست. تضاد متون متفاوتی که از یحیی سخن می‌گویند ترسیم چهره‌های متحدالشکل و موافقی از وی را میسر نمی‌سازند. حال چند مثال که چهره‌هایی مکمل یا کاملاً متضاد از یحیی را ارائه می‌دهند.

### یحیی تعمید دهنده: يك صدا

یحیی در پاسخ به سؤال فرستادگان فریسیان می‌گوید: «من مسیح نیستم، نه الیاس و نه آن نبی» (یو ۱: ۲۰-۲۱). یهودیان از آن جهت این پرسش را مطرح کردند که یحیی کاملاً با توصیفی که از مسیح ارائه می‌دادند مطابقت می‌کرد. می‌دانیم که قوم اسرائیل در اعتقاد بسیار زنده به قریب الوقوع بودن آخر زمان زندگی می‌کردند و معتقد بودند که آیت مبشر فرارسیدن ملکوت آمدن نبی خواهد بود که به سکوت انبیاء پایان خواهد داد. عوام می‌انگاشتند که طبق نبوت ملاکی این نبی - مسیح شبیه الیاس خواهد بود: «اینک من ایلپای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد» (ملا ۴: ۵).

یحیی تعمید دهنده جای هیچ شکی باقی نمی‌گذارد. در حالی که یهودیان او را برآورنده این انتظار می‌دانستند او خود را منادی ملکوت آسمانی و شاهد مسیح معرفی می‌کند: «من صدای ندا کننده‌ام». موفقیت رسالتش در هنگام معرفی عیسی بعنوان مسیح موعود به صورتی منطقی باعث محو شدنش می‌شود. انجیل یوحنا عاقبت رسالت یحیی را در بازگشت عیسی از آن طرف رود اردن شرح می‌دهد: «عیسی به آن طرف رود اردن جایی که یحیی تعمید می‌داد رفت. بسیاری نزد او آمده گفتند که یحیی هیچ معجزه نمود و لیکن هرچه یحیی درباره این شخص می‌گفت راست است» (یو ۱۰: ۴۰-۴۱).

## زمان تردید

یحیی تعمید دهنده صدایی مزاحم است و همین او را روانه زندان می‌سازد. او در زندان به رسالتش می‌اندیشد و بخصوص به مسیح حقیقی که اعلامش می‌کرد و می‌بایست در مقابل او عقب بنشیند تا او پیش رود. یقیناً هیچ‌گاه بدلیل ایجاد شک و تردید در او پی نخواهیم برد. اناجیل نظیر خاطر نشان می‌کنند که یحیی از زندان نمایندگان به نزد عیسی می‌فرستد تا از او بپرسند: «آیا آن آینده تویی یا منتظر دیگری باشیم؟» (مت ۱۱: ۳).

آیا شخصی را که در آغاز رسالتش با انگشت نشان داده بود چنان راهی را برگزیده که دیگر مسیح را که کتاب مقدس می‌گفت در او باز نمی‌یافت؟ پاسخ عیسی باید تمام تردیدهای یحیی را درست قبل از مرگ ناگهانی اش زدوده باشد: «بروید و یحیی را از آنچه که شنیده و دیده‌اید اطلاع دهید که کوران بینا می‌گردند و لنگان براه می‌افتند و ابرصان طاهر و کران می‌شنوند و مردگان زنده می‌شوند و فقیران بشارت می‌شنوند و خوشا بحال کسی که در من نلغزد» (مت ۱۱: ۵-۶).

### افسانه یحیی تعمید دهنده

یحیی در هنگام مواجهه با مرگ دریافت که آن ملکوت آسمانی را که اعلام می‌داشت و امیدوار بود آن را ببیند هنوز فرا نرسیده است. آیا این جمله تسلی بخش و امیدوار کننده عیسی «مردگان زنده می‌شوند» برای او بود؟ ما از احساسات او چیزی نمی‌دانیم اما می‌دانیم که تا به انتها به رسالت نبوتی خویش وفادار و پای بند بود.

او که در نظر مردم مرده بود بار دیگر در افسانه‌ها زنده شد. دو قسمت از انجیل شایعه‌ای در مورد یحیی را بازگو می‌کنند. هیرودیس که از عیسی و معجزاتش می‌شنود شایعه برسر زبانها را می‌پذیرد: «این است یحیی تعمید دهنده که از مردگان برخاسته است و از این جهت معجزات از او صادر می‌گردد.» (مت ۱۴: ۲).

شایعات دیگری نیز برسر زبانهاست: عیسی احتمالاً الیاس یا نبی یا یکی از این

## یحیی تعمید دهند تنها شاهد

یوحنا ۱: ۱۹-۵۱

به محض باز کردن انجیل یوحنا از اهمیتی که در همان آغاز برای یحیی قائل شده است متعجب می شویم. یوحنا بلافاصله در آیه ۶ فصل اول کتابش از او نام می برد در حالیکه قبل از او جز از خداوند و سخن نام نبرده است و پس از آیه ۱۹ تمام توجهش معطوف یحیی شده است. مردم در اطراف یحیی پرس و جو می کنند و سرانجام از خود وی می پرسند «تو کیستی؟» پس یحیی به آنچه که نیست اقرار می کند و می گوید که صدای ندا کننده است.

باری یحیی بی هیچ قیدی اعلام می کند که: «من نیستم...» این کلمه «نیستم» در بردارنده تمام انتظارات و امیدهایی است که یحیی آنها را نقش بر آب می کند. او مسیح، آنکه همه انتظارش را می کشند نیست. پس آیا ایلیاست که بر طبق کتاب مقدس در پایان زندگی اش بصورتی مرموز بسوی آسمان برده شد (ملاکی ۳: ۲۳) و طبق اعتقادی رایج درست قبل از فرارسیدن «زمان آخر» باید بیاید؟ از ظواهر امر که اینطور پیداست. او توبه از گناه را موعظه می کند گویی که می خواهد «خشم خداوند را قبل از عصیان آن آرامی بخشد». اما یحیی برای دومین مرتبه پاسخ می دهد که: «من او نیستم» پس یحیی کیست؟ نبی که خداوند عهد کرده بود بجای موسی «از میان برادرانش مبعوث نماید» (تثنیه ۱۸: ۱۵)؟ پاسخ یحیی این بار نیز منفی است. او آئی نیست که باید امید قومش را برآورد. او به مانند علامت استقامتی است که در ابتدا خود را با آنچه که نیست توصیف می کند.

شخصیتهای آخر زمان است که فریسیان در وجود یحیی بدنبالش می گشتند. هیرودیس که تحت تأثیر این شایعات بود فرضیه اول را می پذیرد: «این همان یحیاست که من سرش را از تن جدا کردم» (مر ۶: ۱۶). این شایعه بمدت طولانی برسر زبانها می ماند چرا که در نقل قول شاگردان به عیسی نیز ظاهر می شود: «برای بعضی یحیی تعمید دهنده، بعضی الیاس و بعضی ارمیا یا یکی از انبیاء» (مت ۱۴: ۱۶).

یحیی را عیسی دانستن، زیباترین ستایش ممکن از یحیاست. بعضی از سنتهای



یهودی معتقدند که شهیدان توسط خداوند از مرگ گرفته شده اند. یحیی تعمید دهنده نیز دلیلی دیگر بر این مدعاست. قوم بدلیل سادگی و زودباوری اش قرابتی در این دو شخصیت و برنامه شان احساس می کند.

اما ورای افسانه ها و شایعات آخرین کلام را عیسی و یحیی خواهند گفت. یحیی خود را منادی مسیح توصیف می کند: «من شما را در آب به جهت توبه تعمید می دهم لکن او که بعد از من می آید از من تواناتر است او شما را با روح القدس و آتش

تعمید خواهد داد» (مت ۳: ۱۱). عیسی نیز بنوبه خود تصویری واقعی از یحیی ترسیم می کند وقتی تأیید می کند که الیاس که در پایان زمان انتظارش کشیده می شود از همین حالا آمده است: «الحال به شما می گویم که الیاس آمده است و او را نشناختند بلکه آنچه خواستند با وی کردند» (مت ۱۷: ۱۲).

«آنگاه شاگردان دریافتند که درباره یحیی تعمید دهنده با ایشان سخن می گفت».

## صدای ندا کننده

پاسخ‌های منفی یحیی موجبات رضایت خاطر حکمرانانی را که نگران ساخته است فراهم نمی‌سازد. «درباره خود چه می‌گویی؟» یحیی بهرحال عقیده‌ای در مورد خود دارد و از آنجا که تعمید می‌دهد و شاگردانی گرد خود جمع نموده است پس رسالتی نیز دارد. پس می‌گوید: «من صدا هستم... من در آب تعمید می‌دهم». موجودیت و کردارش ندا می‌دهند: «راه خداوند را راست کنید». او مأمور اعلام مژده‌ای است که همه منتظر شنیدن آن بوده‌اند: «اینک خداوند با قوت می‌آید» (اشعیا ۴۰:۱۰). او پیشاپیش کسی که اعلام می‌کند اما هنوز در سایه است راه می‌رود: «در میان شما کسی ایستاده است که شما او را نمی‌شناسید... من لایق آن نیستم که بند نعلینش را باز کنم.»

و سرانجام وقتی عیسی ظاهر می‌شود یحیی صریحاً می‌گوید: «اینک بره خدا که گناهان جهان را برمی‌دارد.» تأکیدی پرمفهوم! یحیی چه کسی را می‌تواند اینگونه معرفی کند؟ قدرتی اینچنین عظیم را به کی می‌تواند تخصیص دهد؟ پس یحیی صریحاً شهادت می‌دهد: «روح را دیدم که از آسمان نازل شد و بر او قرار گرفت» «من دیده و شهادت می‌دهم که این بسر خداست». ندای یحیی آنقدر قانع کننده است که دو تن از شاگردانش و سپس چهار تن دیگر او را ترک گویند و به عیسی بپیوندند. بعدها اینان نیز به نوبه خود با کلمات پرمفهوم عیسی را اعلام خواهند کرد. عیسی همانی است که «در تورات و انبیاء مذکور داشته اند» (یو ۱:۴۵). او «سرور» و «پادشاه اسرائیل» نیز می‌باشد (۴۹:۱) انجیل نگار در این قسمت کلمات را در یک جهت خاص به کار می‌گیرد: عیسی به وعده خداوند تحقق می‌بخشد. او مسیح یافته شده است (۴۲:۱). او «پسرانسان» است که با فیض او زمین و آسمان دوباره مرتبط می‌شوند (۵۱:۱).

## اینک بره خداوند

از تمام عناوین داده شده به عیسی طی این بیست قرن، این عنوان عجیب‌ترین و در عین حال معمول‌ترین آنهاست. حتی متخصصین کتاب مقدس به درستی نمی‌دانند این عبارت از کجا نشأت گرفته است. اما کتاب مقدس اشارات فراوانی به آن دارد. خادم رنج‌دیده اشعیا «که به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید» به «بره‌ای که برای ذبح می‌برند» تشبیه شده است او «جان خود را



کفاره می‌کند» و «بسیاری را عادل خواهد گردانید» (اشعیا ۵۳:۵-۱۱). چگونه می‌توان فراموش ساخت که خون بره ذبح شده برای فصح، خانه‌های بنی اسرائیل را در مقابل بلای ویرانگر حفظ می‌کرد (خروج ۱۲)؟ اصطلاح «بره خدا» یادآور تمثیلی سنتی از زمان عیسی است که می‌توان آن را در کتاب مکاشفه

یافت (۶:۵). نجات‌دهنده اسرائیل ظاهر «بره هفت شاخ» را خواهد داشت، موجودی ضعیف و بی‌دفاع که خداوند قدرتی خارق‌العاده به وی عطا نموده است.

## از طریق او همه ایمان می‌آورند

وقتی انجیل یوحنا نوشته می‌شد، عیسی، بره خدا کشته شده و بر نیروهای مرگ غالب آمده بود. شاگردانش می‌دانستند که تعمید یحیی در آب برای «آمرزش گناهان» مقدمه‌ای بیش نبود. عیسی بر «گناه دنیا» غالب آمده بود او که تا به ابد زنده است برای همه حیات است. روایت عروسی در قانا بلافاصله پس از اعلام عیسی توسط یحیی جای گرفته است (یو ۲). در آن روز شراب، نماد مسیحایی، به فراوانی ریخته شد. یحیی در عروسی نبود اما تنی چند از شاگردانش، آنانی که عیسی را پیروی کرده بودند حضور داشتند. یحیی وارد مجلس عروسی نمی‌شود. بنظر می‌رسد تمام گفته‌های انبیاء برای اعلام سخن را از سر گرفته است. او اراده خدا را با «از میان رفتن تحقق می‌بخشد». بهمین منظور نیز دعوت شده بود، او نور نبود اما آمده بود تا بر نور شهادت دهد تا بلکه همه ایمان آورند.

## عیسی و مجوسیان

### مجوسیان (مت ۹: ۲-۱۱)

چون سخن پادشاه را شنیدند روانه شدند که ناگاه آن ستاره‌ای که در مشرق دیده بودند پیش روی ایشان می‌رفت تا فوق آنجایی که طفل بود رسیده و بایستاد و چون ستاره را دیدند بی نهایت شاد و خوشحال گشتند و به خانه در آمده طفل را با مادرش مریم یافتند و بروی در افتاده او را پرستش کردند و ذخائر خود را گشوده هدایای طلا و کندر و مر به وی گذرانیدند.

به عقیده هروودت (مورخ یونانی) مجوسیان طایفه‌ای از مادها بودند که ایرانیان آنان را از طبقه کاهنان می‌دانستند. اینان به غیب‌گویی، طبابت و علم نجوم می‌پرداختند. خساریار شاه که بدلیل کسوف خورشید پریشان خاطر و مضطرب گشته بود دلیلش را از مجوسیان می‌پرسد. علم نجوم شهرت نیکی در کتاب مقدس ندارد (دان ۱: ۲۰؛ ۲: ۲؛ ۱۰؛ اع ۸: ۹؛ ۱۳: ۸). اما در انجیل متی مجوسیان افراد بسیار محترمی می‌باشند. سنت لاتین آنان را از پادشاهان (طبق مزمو ۷۲: ۱۰) و به دلیل سه پیشکشی که تقدیم شده است تعدادشان را سه تن می‌داند و حتی نامشان را نیز به موجب یکی از دست‌نویس‌های قرن ششم گاسپار، ملکپور و بالتازار ذکر می‌کند. مسیحیان سوریه و ارامنه تا ۱۲ مجوسی را نیز نام می‌برند. متی اطلاعات زیادی از آنان در اختیارمان نمی‌گذارد حتی از کشور آنان نامی نبرده است. از نظر اهالی یهودیه «شرق» یعنی تمام سرزمینهای آن طرف رود اردن. سنت مسیحی آنان را به دلیل پیشکشهایی که تقدیم کرده‌اند از مردم عربستان سرزمین کندر می‌داند. آیا بلعام مجوسی از اهالی مشرق نبود (اعداد ۷: ۲۳) که ستاره یعقوب را اعلام داشت (۱۷: ۲۴)؟ پلین و سوترن می‌نویسند که در آغاز عصر ما در سال ۶۶ مجوسیان ایرانی از روی علائم نجومی به پابوس نرون رفتند و سپس همچون در انجیل متی ۱۲: ۲ (پاد ۹: ۱۳) از راهی دیگر به موطن خویش بازگشتند.

در انجیل متی، مجوسیان که توسط طلوع ستاره‌ای از تولد عیسی آگاه شده بودند برای پرستش آمدند. علم نجوم در برابر خداوند سر تعظیم فرود می‌آورد. در عصری که باورهای نجومی این چنین شدید بود ضروری بود که انجیل نگار به پیروی از اولین جمعیت مسیحی و پولس قدیس برتری و تفوق خداوند را بر اصول دنیوی ذکر نماید (غلا ۴: ۳). هیروودیس و اورشلیم نه تنها مسیح را نپذیرفته بلکه دامی نیز برایش مهیا ساختند. اما این مجوسیان بیگانه و سمبل ملل مشرک برخلاف آنان اولین کسانی هستند که برای ستایش نجات‌دهنده آمده‌اند. این موضوع اهمیتی خاص نزد متی دارد (مت ۸: ۱۰؛ ۱۲: ۱۸؛ ۱۵: ۲۴؛ ۲۴: ۱۴؛ ۲۸: ۱۹). مسیح مذهبی باز بروی تمام ملل می‌گشاید (مز ۷۲: ۱۱؛ اش ۲: ۲-۳؛ ۴۵: ۱۴؛ ۶۰: ۱-۶).

### قتل عام کودکان بیت لحم

چون هیروودیس دید که مجوسیان او را سخریه نموده‌اند بسیار غضبناک شده فرستاد جمیع اطفالی را که در بیت‌الحم و تمام نواحی آن بودند از دوساله و کمتر موافق وقتیکه از مجوسیان تحقیق نموده بود به قتل رسانید. آنگاه کلامی که بزبان ارمیای نبی گفته شده بود انجام شد:

آوازی در رومه شنیده شد  
گریه و زاری و ماتم عظیم  
که راحیل برای فرزندان خود گریه می‌کند  
و تسلی نمی‌پذیرد زیرا که نیستند.

هیروودیس همچون فرعون سخریه خواهد شد. پس خشمگین دستور می‌دهد تا کودکان بیت‌الحم را بکشند (مقایسه کنید با متی ۷: ۲۲). از نظر انجیل نگار سرانجام این قوم یهود است که باید نتایج انزجار رهبران را تحمل نماید: «خون او بر ما و فرزندان ما باد» (مت ۲۷: ۲۵). متی در حقیقت داستان جفای فرعون را تکرار کرده است و جامعه یهودی-مسیحی در نهایت سادگی این روایت تخیلی موافق

## موعظه تعمید دهند

لوقا ورود یحیی به صحنه انجیل را اینگونه بیان می کند: «در سال پانزدهم از سلطنت طیباریوس قیصر وقتی که پنطیوس پیلطس والی یهودیه بود و هیروودیس تیتراک جلیل و برادرش فیلیپس تیتراک ایطوریه و دیار تراخونیس و لیسانوس تیتراک آبلیه و حنا و قیافا رؤسای کهنه بودند کلام خدا به یحیی ابن زکریا در بیابان نازل شده به تمامی حوالی اردن آمده به تعمید توبه بجهت آمرزش گناهان موعظه می کرد. چنانچه مکتوب است در صحیفه کلمات اشعیاء نبی...»

لوقا، یحیی تعمید دهنده را واسطه ای بین جامعه روم و یهود قلمداد می کند. بدین ترتیب تاریخ نجات در تاریخ انسانیت گنجانیده شده است.

پس از مرگ آگوستین در سال ۱۴، طیباریوس به مسند امپراطوری رسیده و پنطیوس پیلطس والی یهودیه گشت (۲۶-۳۶). هیروودیس آنتیپاس پسر هیروودیس کبیر از سال ۴ قبل از میلاد بر یهودیه حکومت می کرد قیافا از سال ۱۸ کاهن بزرگ است اما حنا پدرزنش که قبل از وی بر این مسند بود همچنان نفوذ و اعتبار خود را حفظ نموده است.

از نظر لوقا سکوتی که خداوند به مدت طولانی قوم خود را در آن گذاشته بود با ندایی خطاب به یحیی در بیابان شکسته شده است. اصطلاح: «کلام خدا به یحیی ابن زکریا در بیابان نازل شده» اصطلاحی پر طمطراق است که الهام بخش هوشع، میکا و ارمیا بوده است. اصطلاحی که اهمیت واقعه را می رساند: خدا دوباره از طریق تعمید دهنده با قوم خود سخن خواهد گفت.

### راهی تازه برای همه

بنابه انجیل لوقا یحیی در «اطراف رود اردن» به موعظه می پرداخت و نه آنگونه که انجیل متی می گوید در بیابان (مت ۳: ۱). او «اعلام می کرد». موعظه یحیی همان

وحشیگری و بی رحمی آن زمان را که متأسفانه بسیار هم شایع بود می پذیرد. نرون پس از ظهور ستاره ای دنباله دار در آسمان روم کودکان بیشماری را قتل عام کرد. اما ستمگری و سبعیت هیروودیس، ستمی افسانه ای بود. وی دامادش را غرق کرد. پسرانش آلكساندر و آریستوبل را به قتل رسانید. زنش، مریم را خفه نمود و پنج روز قبل از مرگش پسر بزرگش آنتیپاترا را کشت و سرانجام دستور داد تمام اشراف یهود اریحا را بلافاصله پس از مرگش به هلاکت برسانند تا بلکه در مراسم به خاک سپارنش اشکی بر دیدگان مردم جاری شود! بدین گونه متوجه می شویم (اگر به خاطر داشته باشید یهودیان گوشت خوک نمی خورند) که چرا یکی از نویسندگان سده پنجم از زبان امپراطور آگوستین می نویسد: «بهرتر است انسان خوک (در زبان یونانی «hun») هیروودیس باشد تا پسرش («huion»). متی روایت را با اشاره به ارمیاء ۵: ۳۱ به اتمام می رساند «آوازی در رامه بگوش می رسد... راحیل برای فرزندان خود گریه می کند».

راحیل معرف قوم خداست و بر فرزندان خود گریه می کند که به دست متخاصمین در رامه (شمال اورشلیم) کشته یا جمع آوری شده اند تا به بابل تبعید گردند (ارمیا ۴۰). انطباق این متن شاعرانه به بچه های بیت اللحم بسیار غریب است اما شاید به این دلیل باشد که سنت قبر راحیل را در بیت اللحم می داند (پید ۳۵: ۱۹).

\*\*\*



موعظه ای است که قهرمانان انجیل یعنی رسولان، پولس و اولین مبلغان ایراد می کردند (اع ۹:۲۰؛ ۱۲:۳). توجه داشته باشید که در انجیل لوقا این مسیح است که فرارسیدن ملکوت را اعلام می دارد و نه یحیی، در حالیکه در انجیل متی یحیی می گوید: «توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است» (متی ۳:۲). در انجیل لوقا یحیی تعمید جهت آموزش گناهان را اعلام می کند و می خواهد که قوم توبه کرده در راه راست قدم بگذارد. انجیل نگار در اینجا اشاره به اشعیا ۴۰ دارد: «هر دره برافراشته و هر کوه و تلی پست خواهد شد» (سرود ستایش مریم در ذهن تداعی می شود). «کجیها راست و ناهمواریها هموار خواهد شد». اوج این اشاره در این قسمت است: «تمامی بشر جلال خدا را خواهند دید». این چشم اندازی است که وسعت جهانی و عمومی دارد و منحصر به قوم اسرائیل نمی باشد.

یحیی تنها با فریسیان یا صدوقیان سخن نمی گوید بلکه توده مردم را «افعی زادگان» خطاب می کند. شاید این اشاره یحیی استعاره ای از مار در کتاب پیدایش باشد. کسی که اجازه می دهد بدی او را بفریبد یا خود دیگران را می فریبد راه گریزی ندارد و تقلا برای فرار و رهایی از خشم خداوند در روز خداوند که می آید بی فایده است (صف ۱:۱۵، ۲:۳؛ اشعیا ۳۰:۲۷-۳۳). یحیی تعمید دهنده در مورد این روز از نمادهایی آشنا و مأنوس برای همه استفاده می کند نمادهایی چون: تبر بر کنده درختان (اشعیا ۶:۱۳)، شراره آتش (۵:۲۴-۲۵) غربالی برای بیختن (ارمیا ۱۵:۷).

در آن روز دیگر داشتن تعمید و دلگرم بودن به اعقاب خویش و برگزاری آیین یا داشتن پیوندهای خونی با ابراهیم کافی نخواهد بود. آن روز پایانی خواهد بود برای هر موقعیت انحصاری و استثنایی چرا که خداوند قادر است حتی از سنگها فرزندان را برای ابراهیم برافزارد. برخی از مفسران جناسی بین سنگ eben (ابن) بزبان عبری و پسر ben (بن) می بینند.

آخرین انبیاء آمد تا قومی مستعد برای پذیرفتن مسیح آماده سازد. قوم در انتظار بسر می برد و یحیی او را دعوت به انتخاب راه راست می نماید اما شنوندگانش را

مجبور به ترک همه چیز برای پیروی از خویش نمی کند. قوم دچار اشتباه نشود؛ او مسیح نیست. کسی قوی تر از او می آید که در روح القدس و آتش تعمید خواهد داد و این تعمید در روز پنطیکاست آغاز خواهد شد. کتاب اعمال دو مرتبه کلام خدا را ذکر کرده می گوید: «یحیی به آب تعمید می داد لیکن شما بعد از اندک زمانی به روح القدس تعمید خواهید یافت» (اع ۱:۵ و ۱۶:۱۱). در واقع تعمید یحیی نقشی مقدماتی داشت.

اوریزن می نویسد: «معتقدم راز یحیی همچنان در جهان تحقق می یابد چرا که لازم است هر کسی که باید در مسیح عیسی ایمان آورد پیش از آن روح و تقوای یحیی وارد جان او شود تا بدینوسیله قومی کامل از وی برای خداوند فراهم گردد و راههای ناهموار قلبش هموار شود. تا به امروز روح و تقوای یحیی پیشاپیش انتظار برای خداوند نجات دهنده می باشند».

## آیین مرسوم

کسانی که مایلند به مسیحیت بگردند می پرسند: «چه باید کرد؟» و این پرسش ایمانداران نسل اول نیز بود (اع ۲:۳۷؛ ۱۶:۳۰؛ ۲۲:۱۰).

یحیی تقسیم غذا و لباس را بین جمعیت توصیه می کند. زیادی و باقی اموال متعلق به مستمندان است. اگر دو پیراهن داری به آنکه ندارد بده و اگر چیزی برای خوردن داری نیز بهمین ترتیب عمل نما.

از مأموران مالیات که بدلیل همکاری با اشغالگران رومی تحقیر می شدند، مانند لاوی، متی یا زکی که عیسی او را فرامی خواند، می خواهد که بیش از حد لزوم از مردم طلب نکنند. (زکی اعتراف می کند که با درخواست مبالغ هنگفت به نفع خود اختلاس می کرده). اما از سربازان- شاید یهودیانی که در استخدام رومیان و در نتیجه مورد نفرت مردم بودند- می خواست که رشوه خواری و خشونت نکنند.

این سه مورد آمادگی برای پذیرفتن مسیح بطور خلاصه عبارت بودند از کارکردن، تقسیم عادلانه اموال و احترام به حقوق بشر.

یحیی تنها به فراخوانی عوام اکتفا نمی کند بلکه بزرگان دنیوی بخصوص هیرودیس آنتیپاس را که به اضافه جنایتهای بیشمار، زن برادر خود را نیز فریب داده به زنی اختیار کرده بود دعوت می نماید.

آمدن مسیح قریب الوقوع است. او دروگری است که گندم خود را درو خواهد کرد و گاه را خواهد سوزانید. آتشی که خاموشی ندارد اخطاری مکاشفه ای است (اشعیا ۶۶:۲۴). یحیی «مژده مسیح» را موعظه می نماید. ارتباطی بین موعظه یحیی که قیمت وفای به راستی را با خون خود خواهد پرداخت و عیسی که رسالتش را آغاز می نماید وجود دارد. یحیی تعمید دهنده قویترین و شایسته ترین را که با آتش روح، حقیقت و سرشت حقیقی مردم را آشکار خواهد نمود اعلام می نماید، اما باجگیران و گناهکاران نیز پذیرفته خواهند شد.

## یحیی تعمید دهنده در پیچ و خم دو عهد

لوقا دو فصل اول انجیل اولش را بر اساس توازی بین دو کودک یعنی عیسی و یحیی ساخته و پرداخته است. دو اعلام مژده به زکریا و مریم با ملاقات دو مادر آینده (دیدار مریم از الیزابت)، روایت تولدها و آیین ختنه دنبال می شوند. این دو فصل از انجیل لوقا با دو روایت از آمدن عیسی به معبد، که همه چیز از همانجا آغاز شده بود، پایان می گیرد. لوقا با نشان دادن خویشاوندی و پیوستگی بین دو کودک برتری عیسی بر یحیی را به نحوی بارزتر مشهود می سازد. یحیی نظری اجمالی بر عهدعتیق دارد و در نزد عیسی تبدیل به نماد بنی اسرائیل می شود.

## یحیی پسر يك كاهن

زکریا و الیزابت این زوج پیر با چنین نامهای بامسمایی («خداوند او را ذکر فرمود» و «خداوند او را قسم خورد») پاکترین صورت کهانت یهودی را مجسم می سازند: «هر دو در حضور خدا صالح و به جمیع احکام و فرایض خداوند بی عیب سالک بودند» (لوقا ۱: ۶). اما این دو صالح از برکت الهی بهره ای نبرده بودند:

«الیزابت نازا بود و هر دو دیرینه سال بودند» (۷:۱). بنی اسرائیل محتاج کاهنانی بود تا آیینی که او را در پیمان با خدایش حفظ می کرد نگاه دارد. چه اتفاقی می افتد اگر زکریا پسری نداشته باشد؟ آیا کهانت با او بی پایان می رسد؟ تولد کودک یکبار دیگر ثابت می کند که «خداوند فیض می بخشد» و این همان مفهوم نام یحیی (یوحنا) است. خداوند غیرمترقبانه پسری به زکریای کاهن می دهد همانگونه که به ابراهیم و اسحاق و یعقوب که زنانی نازا داشتند داده بود. عطیه خداوند کاملاً آشکار است. او خود کاهنان بنی اسرائیل را تعیین می کند. این تولد در قلب اسرائیل، در معبدی که زکریا بخور می سوزاند اعلام شد. زکریا وقتی از معبد بیرون آمد قادر به دادن برکت آیینی به جماعت نبود چرا که وعده خداوند به حدی به نظرش باور نکردنی آمده بود که لال گشته بود. او تا بدنیا آمدن یحیی به سخن نیامد و به هنگام تولد کودک که یارای تکلم را یافت بنا به وظیفه کاهنان خداوند را تقدیس گفت (۶۷:۱-۶۸). یحیی این کاهن زاده از آنجایی که خدمت در معبد دیگر لزومی ندارد جانشین پدرش نخواهد شد، بلکه همانند کاهنان اعصار گذشته چون ارمیاء یا حزقیال نبی خواهد شد. میانجی دیگری میان خدا و انسانها ظهور خواهد کرد و عهد و پیمان جدید را در خون خود تقدیس نموده (۲۰:۲۲) قوم جدید را برکت خواهد داد (۲۴:۵۰-۵۳).

## یحیی، نبی

خانواده مذهبی یحیی خانواده نبوتی نیز می باشد. طبق گفته فرشته به پدر یحیی او همانند شمشون (دا ۱۳:۵)، ارمیا (۵:۱) یا خادم خدا (اش ۴۹:۱، ۵) «از شکم مادر خود پر از روح القدس خواهد بود». در هنگام استقبال الیزابت از مریم که عیسی را حامله بود، روح حقیقتاً یحیی را در شکم مادرش توان و حرکت می بخشد و الیزابت پر از روح، در پنطیکاستی پیش رس معجزات خداوند در خواهرزاده جوانش را می سراید (۱: ۴۱-۴۵). زکریا نیز همچون زنش از روح القدس الهام یافته در تولد یحیی زبان گشود و نبوت نمود (۱: ۶۷).

زکریا دقیقاً سرنوشت یک نبی را برای نوزاد نبوت و اعلام می‌کند: «و تو ای طفل نبی حضرت اعلی خوانده خواهی شد» (۱:۷۶). و بعد سخنان فرشته را بیاد می‌آورد: «و او به روح و قوت الباس پیش روی وی خواهد خرامید تا دل‌های پدران را به طرف پسران و نافرمانان را به حکمت عادلان برگرداند تا قومی مستعد برای خدا مهیا سازد» (۱:۱۷).

ملاکی نبی پیشتر آمدن پیامبری شبیه به ایلای نبی را برای برگرداندن بنی اسرائیل اعلام کرده بود (ملا ۴:۶). یحیی قربانی کفاره برای آمرزش گناهان تقدیم نمی‌دارد اما با همان شدت ایلایا گناهکاران را بازخواست و توبیخ کرده و «تعمید توبه به جهت آمرزش گناهان را موعظه می‌کرد» (۳:۳). او این تعمید را برای همه و از جمله طردشدگان از معبد، سربازان و صرافان می‌خواست و همه مردم را تشویق به «برگرداندن» قلبشان و زندگی در عدالت، احترام به یکدیگر و همدردی با فقرا می‌کرد. از زمان دعوتهای عاموس و اشعیا به بعد، در پیام انبیاء بنی اسرائیل تغییری پدید نیامده است با این حال یحیی گرایش به خداوند را با آیینی جدید یعنی شستشو در رود اردن متمایز می‌سازد.

## یحیی، شاهد مسیح

یحیی نه تنها در کودکی بلکه در تمام مراحل زندگانش مژده عیسی را اعلام می‌دارد: «قوم را بشارت می‌داد» (۳:۱۸). او ایمانداران را برای تعمید جهت آمرزش گناهان دعوت می‌کرد همانگونه که دوازده رسول پس از بنطیکاست این کار را می‌کردند. شاگردان یحیی از اولین شاگردان عیسی بودند. او «بره خدا» را که پس از این باید به دنبالش می‌رفتند به ایشان نشان داده بود. با آنانی که خود وی را مسیح می‌پنداشتند از کسی دیگر «قویتر از وی» سخن می‌گفت که «در روح القدس و آتش تعمید خواهد داد» (لو ۳:۱۶) کاری که تنها مسیح قادر به انجامش است. شهادت یحیی با مرگش پایان می‌گیرد. یحیی که به دلیل افشای گناه هیرودیس توسط او زندانی و سپس کشته شد و بدین طریق تمامی سرنوشت انبیاء را پیمود. طبق

اناجیل، عیسی با اطلاع یافتن از خبر مرگ یحیی دریافت که استقامتش او را نیز تا به کجا خواهد کشاند. یحیی بدین ترتیب نقطه الحاق دو عهد است. او آخرین نبی است که بنی اسرائیل را برای آمدن داوری مهیا می‌سازد و از سوی دیگر مسیح را نشان می‌دهد که می‌آید تا داوری را انجام دهد. رود اردن، محلی که در آن تعمید می‌دهد، نمادی از وظیفه «گذرایش» است. ۱۲ قرن پیش از این بنی اسرائیل تحت هدایت و رهبری یوشع (عیسی به یونانی) از همین جا وارد سرزمین موعود شدند. امروز یحیی در همین سرحد زمان بخشایش و آمرزش قبل از داوری را افتتاح و قوم را وارد دوران مسیحایی می‌نماید. صدای انبیاء که از سه یا چهار قرن پیش خاموش شده بود حال برای شهادت به عیسی ناصری دوباره طنین انداخته است. «صدایی در بیابان ندا می‌دهد» و ایمانداران را خبر می‌دهد، بیدار می‌کند و گرد می‌آورد. نقاشان مسیحی جذب شخصیت خارق‌العاده یحیی شده و خواسته‌اند رسالت و شهادتش را طبق دو ژستی که داشت به تصویر کشند یعنی دست دراز شده و انگشت سبابه‌ای که به عیسی هنوز ناشناس اشاره می‌کند و دستی که آب اردن را در میان جمع گناهکاران بر بره خدا می‌ریزد. این ژست و حرکت اخیر، حرکتی است که تمام مردم می‌توانند بوسیله آن وارد دنیای نوین شوند.

هر آینه به شما می‌گویم که از اولاد زنان بزرگتری از یحیی تعمید دهنده برنخاست لیکن کوچکتر در ملکوت آسمان از وی بزرگتر است.



از ایام یحیی تعمید دهنده تا الان ملکوت آسمان مجبور می‌شود و جباران آن را به زور می‌ربایند. زیرا جمیع انبیاء و

«هر آینه به شما می‌گویم»: این اصطلاحی برای اعلام پرطمطراق و رسمی یک کلام مهم است کلامی که نباید فراموش شود. عیسی برای اشاره به یحیی از این اصطلاح استفاده می‌نماید. چه ستایشی! یحیی بزرگترین انسانهاست. اما ادامه جمله عجیب به نظر می‌رسد. بزرگتری از یحیی برنخاست، لیکن کوچکتر در ملکوت آسمان از وی بزرگتر است. آیا این ممکن است؟ یا باید انجیل نگار اشتباه کرده باشد یا اینکه اشاره به ملکوت آسمان باید تناقض پدید آمده را توضیح دهد. بزرگی و عظمت یحیی از آنجا ناشی می‌شود که وی پیام‌آور ملکوت آسمانی بوده است، عظمت شاگردان عیسی زندگی در ملکوت آسمانی است. ممکن نیست بتوان بین این دو مقایسه‌ای انجام داد. چنانچه یحیی بزرگترین انسان زمان گذشته و زمان مهیا سازی است؛ از این پس خود را از کوچکترین شاگردان خداوند رستاخیز کرده کمتر می‌بیند. یحیی، این آخرین نبی عصر، انسان بزرگی است اما شاگردان عیسی قائم از وی بزرگتر می‌باشند.

از این پس یحیی معیاری برای مراحل مختلف تاریخ نجات خواهد بود. «تا به یحیی» زمان شریعت و انبیاء، زمان اعلام و مهیا ساختن است. «از یحیی به بعد» زمان

## مدح یحیی

(متی ۱۱: ۲-۱۹)

با بیابان نمی‌توان شوخی کرد. کدام شخص دیوانه‌ای زندگی‌اش را بی‌جهت به خطر می‌افکند. یحیی تعمید دهنده در چنین مکانی در جستجوی چه بود؟ ثروت، قدرت...؟ البته خیر، او مشغولیت دیگری داشت. «صدایی در بیابان ندا می‌کند... راه خداوند را مهیا سازید». نبوت اشعیا کلید این معماست. یحیی می‌خواهد همانند انبیا، زمانهای نوین را که همه چیز طبق اراده خداوند انجام خواهد شد ندا دهد. اگر یحیی مردم را بحدی مجذوب خود ساخته که به بیابان بروند برای تشکیل درباری از پیروانش در بیابان نیست. یحیی به عنوان آخرین نبی عصر، مرد بزرگی است اما در خدمت کسی بزرگتر از خود می‌باشد.

عیسی با آن جماعت درباره یحیی آغاز به سخن کرد که به جهت دیدن چه چیز به بیابان رفته بودید. آیا نی را که از باد در جنبش است؟ بلکه به جهت دیدن چه چیز بیرون شدید آیا مردی که لباس فاخر در بردارد. اینک آنانی که لباس فاخر می‌پوشند در خانه‌های پادشاهان می‌باشند. لیکن به جهت دیدن چه چیز بیرون رفتید آیا نبی را بلی به شما می‌گویم از نبی افضل‌تری را. زیرا همان است که درباره او مکتوب است اینک من رسول خود را پیش روی تومی فرستم تا راه تو را پیش روی تو مهیا سازد.

تورات تا یحیی اخبار می نمودند و اگر خواهید قبول کنید همان است الیاس که باید بیاید.

ملکوت آسمانی، زمانی سخت که دشمنان این ملکوت علیه آن بر می خیزند. یحیی حد فاصل این دو زمان است یعنی همان وظیفه ای که تفکر عوام برای الیاس می شناسد. ایلای نبی در ارا به آتشین به آسمان برده شد تا وقتی ملکوت آسمانی نزدیک شود دوباره ظاهر گردد. یحیی وظیفه اش را بخوبی انجام داده است. او آخرین ورق عهد عتیق را بسته و اولین ورق عهد جدید را گشوده است. یحیی یقیناً شخصیتی بزرگ اما در نقشی محدود است.

یحیی آمد. نه می خورد و نمی آشامدمی گویند دیو دارد. پسر انسان آمد که می خورد و می نوشد می گویند اینک مردی پرخور و میگسار و دوست باجگیران و گناهکاران است لیکن حکمت از فرزندان خود تصدیق کرده شده است.

خواننده انجیل متی در خطوط فصل ۱۱ ستایشی حقیقی از یحیی خواهد یافت. یحیی از آنجاییکه آخرین انبیاست شخصیت بزرگی است. او در مرز دو جهان عتیق و جدید قرار دارد. اما بیشتر متعلق به جهان عتیق است و از آنجایی که مأموریت خویش را به انجام رسانده استحقاق یافته است. پسر انسان خداوند مسیحیان است و نه یحیی تعمید دهنده. چنانچه رسالت یکی از این دو ناشناخته ماند و بصورتی اسفناک تمام شد اما مسیحیان بخوبی می دانند که هردو بخشی از حکمت خدا می باشند و هرکدام جایگاه خود را دارند، یحیی پیام آور است و عیسی نجات دهنده.

## گروههای مطالعاتی کتاب مقدس

مرکز میسیونری Lumko در آفریقای جنوبی متدی بسیار ساده به منظور برپایی جلسات کتاب مقدس برای آن دسته از مسیحیانی که مایلند با دوستان و نزدیکان خویش از ایمانشان سخن گویند و با هم دعا کنند ابداع نموده است. این متد در بسیاری از کشورهای آفریقایی گسترش یافته و به اروپا نیز رسیده است و مورد توجه بسیار گروههای مطالعاتی کتاب مقدس کشورهای اروپایی قرار گرفته است. ما سعی خواهیم کرد در این مجلد مراحل اصلی این متد را ارائه دهیم به این امید که به کار گروههای مطالعاتی آید یا ابتکارات و ایده هایی را در آنها پدید آورد.

### مرحله اول: خداوند را طلب نماییم

جلسه با استغاثه به درگاه خداوند توسط یکی از اعضای گروه آغاز می شود. این استغاثه کمکی است تا هر یک از اعضاء ایمان خود به خداوند رستخیز کرده و زنده را در نزد خدا و در میان ایماندارانش اقرار نماید.

### مرحله دوم: متن مورد نظر را مطالعه می کنیم.

هریک از اعضای گروه متن در نظر گرفته شده برای جلسه آن روز را در کتاب مقدس خود پیدا می کند، وقتی همه اعضاء موفق به یافتن متن شدند یکی از اعضا آن را به صدای بلند برای همه می خواند سپس سکوتی کوتاه خواهیم داشت.



## مرحله سوم: متن را دوباره می‌خوانیم.

هر یک از اعضاء کلمه، کلمات یا اصطلاحاتی را که در متن مهم یافته است یادداشت می‌نماید. پس از قرائتی دوباره و با صدای بلند، هر کدام از اعضاء به نوبت یادداشتهای خود را برای گروه می‌خوانند. در این مرحله باید سعی بر درک مفهوم متن شود. در سکوت کوتاه پس از این مرحله، هر یک از اعضاء باید کلمه، کلمات یا اصطلاحی را که انتخاب نموده است در ذهن خود تکرار کند.

## مرحله چهارم: سکوت می‌نماییم.

یکبار دیگر متن مورد نظر با صدای بلند و شمرده خوانده می‌شود. در سکوت چهار یا پنج دقیقه‌ای پس از آن اعضاء بنا به عادات و الهامات خود باید به درگاه خداوند دعا نمایند.

## مرحله پنجم: ایمان خود را با دیگران در میان می‌گذاریم.

قدر مسلم متنی که خوانده شد جلالتی از ایمان ما را بیدار می‌سازد. در این مرحله هر کدام از اعضاء بنا به ایمان شخصی خود اعتقادات ایمانی را که متن در وی بیدار ساخته است برای دیگران بیان می‌کند و تردیدها و باایمانی که متن در وی بیدار ساخته است برای جمع بازگو می‌نماید.

## مرحله ششم: در مورد انتظارات خداوند از ما بحث می‌کنیم.

با توجه به دیدگاههای اعضاء در مرحله قبلی، سعی می‌کنیم دریابیم که چگونه می‌توانیم عملاً جنبه‌های ایمانی را که توسط تعمق در متن ظاهر شده‌اند در زندگی روزانه خود بکار ببریم. در این مرحله باید بحث را به خارج از متن کتاب مقدس و به مسائل روزانه کشاند و دریافت که چگونه می‌توان زندگی روزانه را با نقشه خداوند که با تعمق در متن در جستجویش می‌باشیم وفق داد.

## مرحله هفتم: دعا می‌کنیم.

در پایان جلسه هر کدام از اعضاء می‌تواند دعایی کوتاه با توجه به یکی از مراحل بالا یا به میل خود بخواند و سرانجام جلسه را با دعایی مشترک مثلاً «ای پدر ما» پایان می‌دهیم.

## پادشاه کودک (اشعیا ۹:۱-۶)

یادداشت‌هایی برای تعمق

متن درشت صفحه ۱۶ و ۱۷ بند پایانی شعر اشعیا نبی است که به مناسبت تولد (یا تاج‌گذاری که به مثابه تولد در نظر گرفته شده) حزقیای پادشاه سروده شده است. سنت مسیحی این شعر را همچون مژده تولد مسیح بازخوانی کرده است و دوست دارد در روزهای میلاد بر آن تعمق نماید. اینک چند ایده برای تعمق گروهی بر این متن.

### تعمق شخصی

#### مرحله اول

در ابتدا شعر یعنی ۶ آیه اول فصل نهم از کتاب اشعیا را به صدای بلند بخوانید. حتی می‌توانید متن را رونویسی کنید. این کار باعث درک بهتر متن می‌شود. سپس بلافاصله اولین برداشتتان را از متن بنویسید. مثلاً: این شعر چه پیامی برای من داشت؟ به چه دلیل خوشایند من است یا به چه دلیل خوشایند من نیست؟

#### مرحله دوم

شعر را به دقت بدون توجه به مفهومش مطالعه کنید. این چند سؤال بررسی بهتر شعر را ممکن می‌سازد

۱- شخصیتهای شعر را نام ببرید. اولین شخصیت نامبرده شده کیست (ابتدای آیه ۱) و آخرین آنها (پایان آیه ۶)؟ هر کدام از این شخصیتها خود را در قبال دیگری چگونه توصیف می‌کنند؟

۲- شعر جناسهایی دارد آنها را ذکر کنید. بر مغایرت بین واژه‌های مثبت و منفی

توجه کنید...

۳- سعی کنید پیشرفت و گسترش شعر را دریابید. تفسیر و توضیح نور و شادی قوم در آیه‌های ۲ و ۳، در آیه ۶ آمده است.

از مسبب نجات در پایان آیه آخر نام برده شده است اما آیه ۳ نیز با ضمیر دوم شخص مفرد («تو») از او یاد کرده است.

۴- برای یافتن دلیل مقایسه مژده مسیح با تولد شاه کودک می‌توانید به کتاب داوران فصل ۶ و ۷ روایت پیروزی بر مدیان مراجعه کنید. نامه‌ای داده شده به پادشاه کودک گواهی بر نیتش می‌دهند. از نظر اشعیا رسالت پادشاه چیست؟

### مرحله سوم

شعر اشعیا را از چند جنبه مختلف می‌توان خواند.

۱- در مقام نبی: نبی از بی‌اعتمادی آحاز پادشاه به خداوند پریشان است پس با اتکا به وعده داده شده به داود پادشاه از جانب ناتان نبی (رک ۲ و ۷)، اشعیا در تولد (یا تاج‌گذاری) حزقیای پسر آحاز به تغییر موقعیت امیدوار می‌شود که حزقیای همان پادشاه می‌باشد که وعده خدا را به انجام می‌رساند. نتایج مرحله دوم را می‌توانید از این جنبه مورد مطالعه قرار دهید.

۲- در مقام آنانی که نتیجه‌ای از این شعر گرفته‌اند. حزقیای با ایده پادشاهی از نسل داود که اشعیا می‌گوید مطابقت و همخوانی ندارد. شعر سروده نبی برای تولد یا (تاج‌گذاری) شاه مفهوم دیگری به خود خواهد گرفت و امیدی خواهد بود برای آمدن فرستاده خدا بدون اینکه دقیقاً بدانند این مسیح کی باید بیاید؟

۳- در مقام تمام مسیحیان. آیا به نظر شما نسبت دادن این شعر به مسیح از جانب مسیحیان به جا و مناسب است؟ چرا؟ (رک. لو: ۱: ۷۸؛ ۲: ۱۱). عیسی امید اشعیا را به چه صورت تحقق می‌بخشد؟

## تعمق گروهی

### مرحله اول

جلسه را با مطرح ساختن مهمترین پیامدهای تعمق شخصی آغاز می‌کنیم. سعی نکنید لزوماً در پی حل تمام مشکلات برآیید. طبیعی است که مابین شما اختلافاتی مثلاً در رابطه با سومین مرحله تعمق شخصی پدید آید.

### مرحله دوم

شعر اشعیا امروز نیز چون گذشته روزه امید برای ایمانداران است. شرح دهید که گروه چگونه می‌تواند بنا به ایمان مسیحیان به عیسی رستاخیز کرده، این امیدواری را در حال حاضر توجیه کند. گروه می‌تواند با الهام گرفتن از سرود اشعیا به نوبه خود شعری متناسب با محیط اطرافش و در رابطه با امیدواریش بسراید. شاید بتوان این شعر را برای جمعیت مثلاً در عشاء ربانی نیمه شب قرائت کرد. آیا ممکن است سروده ما نیز همچون سرود اشعیا سبب امیدواری گردد؟

### حکایت میلاد برای کودکان

چگونه و به چه روش باید روایات متی و لوقا از کودکی عیسی را برای کودکان نقل کرد؟ اغلب والدین، آموزگاران تعلیمات دینی یا مربیان بیم دارند که بچه‌ها تنها به جنبه خارق‌العاده و جادویی روایات توجه کنند. اما جدیدترین مطالعات در کتاب مقدس ثابت کرده است که روایات اناجیل از کودکی عیسی بیش از هر چیز روایات «الهیاتی» و با به عبارت دیگر متونی هستند که طبق ایمان نویسندگان و به منظور تحکیم ایمان خوانندگان نوشته شده‌اند. اناجیل کودکی چندان در بند دادن اطلاعاتی دقیق از زمان کودکی عیسی نمی‌باشند و در ابتدا از عیسی، نجات‌دهنده و فرستاده خدا، آن که برای تحقق کتاب مقدس می‌آید سخن می‌گویند. مشکل بتوان مسئله‌ای را که حتی افراد بالغ به سختی قادر به درکش می‌باشند به کودکان تفهیم کرد...

با این حال و بنا به دلایل گوناگون لازم و ضروری است که روایات اناجیل از کودکی عیسی را برای کودکان حکایت کرد. این کار روشی است سنتی و ریشه در اعصار دارد. بعلاوه امروزه دریافته‌اند که «حکایت کردن» روایات کتاب مقدس اهمیت فوق‌العاده‌ای در شکل‌دهی به ایمان دارد. پس از ایام میلاد سودجسته به هر نحوی که می‌توانید روایات فصول اول و دوم متی و لوقا را برای کودکانتان بازگوید.

بهترین روش حکایت میلاد برای کودکان مطالعه و بررسی پیشاپیش متون متی و لوقاست. با این مطالعه و کار مقدماتی درمی‌یابیم که متی و لوقا چه تصویری از نجات‌دهنده که جامعه مسیحی او را می‌ستاید دارند. تنها عناوینی که لوقا در فصول اول و دوم انجیلش به عیسای کودک می‌دهد خلاصه‌ای است از کل ایمان مسیحی.

### حکایت مطلب

حال می‌توانید خیلی راحت طبق روایات انجیل نگاران یا به میل خود میلاد را برای کودکانتان حکایت کنید. نتایج مطالعات خود را خشک و جدی به کودکان منتقل ننمایید بلکه از کلمات خود عیسی، شمایلها و سرودها استفاده نمایید. باید به شنوندگان جوان خود بفهمانید که روایات کتاب مقدس، حکایت تاریخ مقدس یعنی تجربیات روحانی قوم برگزیده است. تاریخی پرمفهوم که مژده عیسی را برای مسیحیان باز می‌گوید.

مواردی که باید از آنها اجتناب کرد:

۱- توسل به داستان سرایی

به راحتی می‌توان تمام مفاهیم را از روایت کودکی عیسی زدود و تنها به جنبه داستانی موضوع اکتفا نمود. برای مثال برخی از مجوسیان سخنها گفتند اما توجهی به اینکه مجوسیان در انجیل متی معرف امتهای بیگانه می‌باشند که به نجات‌دهنده دست یافته‌اند نکرده‌اند. پس پافشاری و اصرار بر جنبه‌های سطحی و شگفت‌کاری است بیهوده.

## ۲- روگردانی از مطالب عجیب

دوم توضیح منطقی و معقول مواردی است که امروزه قبول آنها مشکل و حتی ناممکن می باشد. مثلاً در یکی از کارتونهایی که از زندگی عیسی برای کودکان تهیه شده بود جبرائیل فرشته بکلی حذف و ستاره مسیح تبدیل به ستاره اقبال شده بود (نویسنده جمله: «یقیناً امروز بخت و اقبال با ماست») را بر زبان مجوسیان می گذارد!!! با توجه به اهمیت جبرائیل فرشته نزد سنت یهود و نیز اهمیت ستاره که نشانگر مسیح است این «جرح و تعدیل» باعث تأسف است.

به عکس می توان با اضافه نمودن موارد جدید اما موافق «تاریخ مقدس» از متن اصلی دور شد. سنت مسیحی نیز خود را از این قاعده مستثنی نمی داند و گاو و الاغ را به منظور گرم کردن طفل در آخور جای نداده است بلکه به دلیل نبوت اشعیا که می گوید: «گاو مالک خویش را و الاغ آخور صاحب خود را می شناسد اما اسرائیل نمی شناسند و قوم من فهم ندارند» (۳:۱). این راهی است برای نشان دادن این مطلب که بنی اسرائیل عیسی را نخواهد شناخت. به همین ترتیب روایت سه مجوسی از نژادهای مختلف در راستای این هدف و مقصود متی است که می گوید امتهای بیگانه نیز حق آمدن نزد عیسی را دارند: «پس رفته همه امتها را شاگرد من سازید» (مت ۲۸:۱۹).

**آخرین تذکره:** اگر چنانچه نتوانستید تمام مسائل را امسال مطرح سازید زیاد

سخت نگیرید! میلاد همه ساله باز می آید...

\*\*\*